

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Literary-Cultural

ادبی-فرهنگی

فرستنده: احمد پوپل

۰۳ فبروری ۲۰۲۱

ابن دیلاق - ۴

در صنع کاینات

بی نقشه و بی ترازو ^۱ و پرگار ^۲	کردست عمارتی پدیدار
هر چند بنای بس شیگرف ^۳ است	در نیک و بدش هزار حرف است
گویند چو قدرتی چنین داشت	تخم بدی از چه ره در این کاشت
شیطان و جهنم و عبادت	خالی است ز رای رحم و حکمت
ای کاش که فکر کرده بودی	آنگاه که لفظ «کُن» ^۴ سرودی
تا در اثر شتاب و تعجیل	جفتک ^۵ ه نزدی برون عزازیل ^۶
سوگند که گر خدای بودم	این نقش وجود می زُودم
یک عالم دیگر قشنگی	بی رنگ شقاوت ^۷ و دو رنگی
بعد از دو سه سال فکر بسیار	می ساختم از عدم ^۸ پدیدار
تا هر که در او دمی بماند	بر من دو صد آفرین بخواند

صنَع : خلقت

- ۱ - ترازو - آب ترازو (ابزاری که پستی و بلندی را به وسیله آن معلوم می کنند)
- ۲ - پرگار : دایره کش (آلتی هندسی برای کشیدن دایره)
- ۳ - شیگرف: نیکو خوش آیند، بی نظیر، کمیاب، عجیب
- ۴ - کُن : باش (کن فیکون: باش پس می باشد) سرعت جریان امر الهی
- ۵ - جفتک: لگدی که حیوان چهارپا با هر دو پای عقبی خود می اندازد
- ۶ - عزازیل : ابلیس شیطان
- ۷ - شقاوت : (عربی: شقاوة) سخت دلی، بی رحمی قساوت
- ۸ - عدم : نیستی زوال لا وجود مرگ مقابل وجود